

## دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا

\*دکتر سید احمد طباطبایی\*

استادیار دانشکده حقوق پردازی قم دانشگاه تهران

حمید میری

(تاریخ دریافت ۱۲/۵/۸۵، تاریخ تصویب ۱۷/۹/۸۵)

### چکیده

در گیری‌های قومی در کشور رواندا در سال ۱۹۹۴ میلادی، به کشتار و قتل عام صدها هزار نفر منجر گردید. شورای امنیت سازمان ملل متحد همانند اقدام خود در برابر نسل کشی در یوگسلاوی سابق، با تصویب قطعنامه ۹۵۵، مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴، بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل، دادگاه ویژه‌ای را برای تعقیب، محکمه و مجازات مرتكبین به کشتار جمعی و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تأسیس نمود. در این مقاله نمای کلی از ساختار، ارکان، صلاحیت‌ها، آینین دادرسی و گزارشی از فعالیت‌ها و محکمات دادگاه ارائه شده است. همچنین ابعاد خاصی از دادگاه که از دیدگاه حقوق بین‌الملل حائز اهمیت بیشتری است از قبیل مبنای مشروعیت دادگاه، مزايا و مصونیت‌های قضات و کارکنان دادگاه، تعهد کشورها بنی بر همکاری با دادگاه و عدالت کیفری از جمله حمایت از شاهدان و証人، متهمین و محکومین دادگاه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این مقاله همچنین در موارد مقتضی طالعه تطبیقی با دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دیوان کیفری بین‌المللی صورت گرفته است.

**واژگان کلیدی:** محکمه کیفری بین‌المللی رواندا، جنایات جنگی، نسل کشی، شورای امنیت، حقوق بشر دوستانه.

\*Email: sataba@ut.ac.ir

## مقدمه

تا قبل از استقلال رواندا در سال ۱۹۶۲ و حاکمیت اکثریت «هوتوها»<sup>۱</sup> بر رواندا، اقلیت قومی «توتسی ها»<sup>۲</sup> حکومت رواندا را در اختیار داشتند. در دوران انتقالی رواندا برای استقلال، هوتوها علیه توتسی ها مبارزه می کردند و در نتیجه شمار زیادی از توتسی ها رواندا را به سوی کشورهای همسایه ترک نمودند و از آن جا به صورت متناوب حملاتی را علیه هوتوها برای کسب مجدد قدرت انجام می دادند. این حملات سبب می شد که هوتوها از توتسی های باقی مانده در روندا انتقام بگیرند. توتسی های پناهنده در او گاندا «جبهه میهنی رواندا»<sup>۳</sup> را تشکیل دادند و در سال های ۱۹۹۰ - ۱۹۹۲ چندین بار حمله ناموفق برای کسب قدرت علیه حکومت رواندا انجام دادند (بوئد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱، ص ۶۰).

در ششم آوریل ۱۹۹۴ هوایپیمای حامل «جوونال هابی آریمانا»<sup>۵</sup>، رئیس جمهور هوتویی رواندا و «سپرین نتاریامیرا»<sup>۶</sup> رئیس جمهور بروندی در حال فرود آمدن در فرودگاه کیگالی، پایتخت رواندا مورد اصابت موشک فرد یا افراد ناشناس قرار گرفت و سرنشینان آن کشته شدند. هوتو های افراطی که عمدتاً متشكل از مردان طرفدار دولت وقت بودند، حمله به هوایپیمای حامل رئیس جمهوری را به توتسی ها نسبت داده، آن را اعلام جنگ قلمداد کردند؛ لذا تسویه حساب با اقلیت های توتسی و مخالفان رژیم هوتو به طور گسترده و سازمان یافته آغاز گردید. در کیگالی<sup>۷</sup> پایتخت رواندا، گارد ریاست جمهوری اقدامات تلافی جویانه را آغاز کردند. رهبران گروه های مخالف

<sup>1</sup>- Hutus

<sup>2</sup>- Tutsi

<sup>3</sup>- Rwandan Patriotic Front (RPF)

<sup>4</sup>- Boed

<sup>5</sup>- Juvenal Habyarimana

<sup>6</sup>- Cyprien Ntaryamira

<sup>7</sup>- Kigali

دولت به قتل رسیدند و بلافاصله قتل عام توتسی‌ها و هوتوهای میانه رو آغاز شد. پلیس و سربازان، شهروندان عادی را به شرکت در این قتل عام تشویق کردند و در برخی موارد غیر نظامیان هوتو را وادار کردند که همسایگان توتسی خود را به قتل برسانند (بوقل، ۲۰۰۱، ص ۶۰؛ پیس، ۱۳۸۴، ص ۴۱۵ – ۴۱۴). در این نسل‌کشی، بالغ برهشت‌صد هزار نفر که عمدتاً از قوم توتسی و همچنین شماری از هوتوهای میانه رو بودند، در کمتر از ۱۰۰ روز به دست نیروهای شبه نظامی هوتوهای تندر و کشته شدند.<sup>۱</sup> بسیاری از قربانیان را کودکان زنان و سالخوردگان تشکیل می‌دادند (بوقل، ۲۰۰۱، ص ۶۰).

به دنبال این نسل‌کشی، نیروهای شورشی توتسی موسوم به «جهه میهنی رواندا» در جهت کسب قدرت و توقف کشتار، تهاجم خود را علیه هوتوها آغاز کردند؛ اگرچه این گروه نیز در مقابل با هوتوها بعضاً دست به جنایات مشابه اقدامات هوتوها زدند (اسنو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴، ص ۷). در نهایت در ۱۸ ژولای ۱۹۹۴ جبهه میهنی رواندا کنترل کشور را به دست گرفت و نسل‌کشی پایان یافت (بوقل، ۲۰۰۱، ص ۶۰).

نسل‌کشی در رواندا از جمله فجیع‌ترین واقعیت تاریخی قرن بیست محسوب می‌شود. آمارها حاکی از آن است که در منازعات این کشور، علاوه بر کشته شدن حدود ۸۰۰۰۰ نفر، حدود دویست و پنجاه تا پانصد هزار مورد تجاوز جنسی صورت گرفته است (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۱). بر اثر بحران رواندا، تا اواسط ماه جولای ۱۹۹۴ بیش از دو میلیون رواندایی مجبور شدند به کشورهای همسایه مهاجرت کنند. صدها هزار رواندایی نیز در کمپ‌هایی واقع در بروندهی، تانزانیا و زئیر سکنا گردیده بودند.

<sup>۱</sup>- برخی منابع این تعداد را بیش از پانصد هزار نفر و بعضی دیگر بیش از یک میلیون نفر اعلام کردند.  
<sup>۲</sup>- Snow

### تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی

نسل کشی و ارتکاب گسترده جرائم فوق الذکر و اوضاع و احوال اسفبار کشور رواندا سبب شد که شورای امنیت سازمان ملل، در ۸ نوامبر ۱۹۹۴ با صدور قطعنامه ۹۵۵ وضعیت موجود در این کشور را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی اعلام نموده<sup>۱</sup>، اقدام به تأسیس دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا نماید.<sup>۲</sup> هدف اصلی این محکمه کیفری اختصاصی<sup>۳</sup>، تعقیب و مجازات مرتكبین به نسل کشی و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در رواندا و کشورهای همسایه بود. اساسنامه محکمه در ۳۲ ماده به عنوان ضمیمه قطعنامه ۹۵۵ به تصویب شورای امنیت رسید. شورا متعاقباً با صدور قطعنامه ۹۷۷ مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۵ مقر دادگاه را شهر آروشا<sup>۴</sup> در جمهوری تانزانیا تعیین نمود.<sup>۵</sup> قضات و کارمندان دادگاه، نماینده بیش از ۸۰ ملت می‌باشند و این دادگاه بعد از مقر اصلی سازمان در نیویورک، بین‌المللی ترین نهاد سازمان ملل می‌باشد (سایت اینترنتی دادگاه).<sup>۶</sup> همچنین هر سال از طرف مجمع عمومی سازمان ملل بودجه ای برای اداره این دادگاه در نظر گرفته می‌شود.

### نقش دادگاه‌های ملی و مردمی رواندا

به موازات محکمه بین‌المللی، محاکم داخلی رواندا نیز رسیدگی به جرائم ارتکایی را مورد بررسی قرارداده‌اند. بر اساس برخی از آمارها، ۴۰ تا ۶۰ درصد هوتوها

<sup>۱</sup>- International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR)

<sup>۲</sup>- از این به بعد هر جا از اصطلاح دادگاه یا محکمه رواندا استفاده شود، منظور همان محکمه بین‌المللی کیفری رواندا می‌باشد.

<sup>۳</sup>- Arusha

<sup>۴</sup>- در اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، مقر دادگاه صراحتاً قید شده است؛ ولی در اساسنامه دادگاه رواندا به خاطر حساسیت موجود در مورد ترجیح آروشا بر شهر کیگالی (پایتخت رواندا) صراحتاً در اساسنامه این دادگاه قید نگردیده است. ر.ک. (کریانگسانک، ۱۳۸۲، ص ۴۶).

<sup>۵</sup>- <http://69.94.11.53/default.htm>

در ارتکاب جرم دخالت داشته‌اند (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸-۱۵۶). بعد از سال ۱۹۹۴ تنها ۱۶ وکیل و ۲۶ کارشناس پلیس قضایی در کشور باقی ماندند. براساس وضع موجود در ژانویه سال ۱۹۹۸، ۴۰۰ سال زمان نیاز داشت تا جرائم نسل کشی متهمین مورد رسیدگی قضایی قرار گیرد. در سال ۲۰۰۰ در رواندا حدود ۱۱۵۰۰۰ نفر منتظر محاکمه بودند که اتهام ۹۵ درصد آن‌ها ژنوسايد بود. تا پایان سال ۲۰۰۰ تنها پرونده ۵۰۰۰ نفر به اتهام ژنوسايد در حال رسیدگی بود، در حالی که هنوز ۱۸۰۰۰ نفر در بازداشت بودند که پرونده دادخواست نداشتند و هنوز اتهام آن‌ها مشخص نشده بود. برای رفع مشکلات فوق و تسريع در امر رسیدگی، حکومت رواندا اقدام به تأسیس محاکم مردمی موسوم به گاکاکا<sup>۱</sup> نمود و در اکتبر سال ۲۰۰۱، ۲۶۰۰۰ قصاصات مردمی را برای قضاوت در این محاکم انتخاب نمود. ملاک اصلی انتخاب این قصاصات ویژگی‌های اخلاقی بود نه تخصص قضایی. قانونی که محاکم گاکاکا را ایجاد نمود، مقرر می‌دارد که این محاکم همان صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا را خواهد داشت (بوئد، ۲۰۰۱، ص ۶۳).

#### سابقه تاریخی محاکم کیفری بین‌المللی

ایده تشکیل یک محکمه کیفری بین‌المللی بعد از جنگ جهانی اول از جانب اشخاص و نهادهای مختلف از جمله «انجمن بین‌المللی حقوق جزا» طرح گردید. این طرح در آن زمان مورد استقبال کشورها قرار نگرفت. در پایان جنگ جهانی دوم، کشورهای فاتح جنگ (متفقین) اقدام به تأسیس محاکم اختصاصی نورنبرگ و توکیو، برای محاکمه جنایتکاران جنگی نمودند. تأسیس این دو محکمه نقطه عطفی در تاریخ

<sup>۱</sup>- Gacaca

حقوق جزای بین الملل و تعقیب کیفری مرتكبین جرائم علیه بشریت به شماره آید<sup>۱</sup>  
(میر محمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۳۶-۳۷).

در اولین سال‌های تشکیل سازمان ملل، لزوم تأسیس یک دادگاه دائمی بین المللی به قصد محاکمه و مجازات کسانی که باعث خشونت، جنایت و ناقض حقوق بین المللی هستند، مورد توجه کشورها قرار گرفت. اما متأسفانه فضای سیاسی بین المللی غالب در آن سال‌ها که مصادف با آغاز جنگ سرد بود، روند تأسیس چنین دادگاهی را با مشکل رویه رو ساخت. پس از پایان جنگ سرد، مجمع عمومی در سال ۱۹۹۰ طی قطعنامه شماره ۴۵/۴۱ از کمیسیون حقوق بین الملل درخواست نمود تا بررسی‌های لازم را برای تأسیس محکمه کیفری بین المللی انجام دهد. در نهایت، ایده تأسیس دیوان دائمی کیفری با امضای اساسنامه رم ۱۹۹۸، جامه عمل پوشید و پس از تصویب اساسنامه توسط تعداد مورد نیاز کشورها، در اول ژولای سال ۲۰۰۲ اساسنامه «دیوان بین المللی کیفری»<sup>۲</sup> رسمی لازم الاجرا گردید.

علاوه بر محاکم فوق، شورای امنیت سازمان ملل پس از نسل کشی و ارتکاب دیگر جرائم فاحش و گسترده حقوق بشر دوستانه در حوزه بالکان، با تصویب قطعنامه ۸۰۸ مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۳، عزم خود را مبنی بر تأسیس دادگاه ویژه‌ای برای محاکمه رهبران دولت یوگسلاوی سابق و دیگر متهمان اعلام نمود. دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق<sup>۳</sup> در نهایت با تصویب قطعنامه ۸۲۷ (مورخ ۲۵ می ۱۹۹۳) شورای امنیت تأسیس گردید. از مهمترین متهمین در این محکمه، میلسویچ ریس جمهوری

<sup>۱</sup>- پنج فعالیت محکمه نورنبرگ بر اساس منشور محکمه نظامی بین المللی برای محاکمه جنایتکاران جنگی صورت گرفت. این منشور ضمیمه توافق نامه لندن بود که در ۸ اوت ۱۹۴۵ چهار متفق اصلی یعنی فرانسه، انگلستان، امریکا و شوروی آن را امضا نمودند. بعدها ۱۹ کشور دیگر به آن پیوستند. جهت اطلاع بیشتر ر.ک. (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۳۷).

<sup>۲</sup>- International Criminal Court (ICC)

<sup>۳</sup>- International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)

یوگسلاوی سابق بود که در سال ۱۳۸۴ در حالی که منتظر محاکمه بود در بازداشتگاه محکمه فوت نمود.

از دیگر محاکم کیفری می‌توان به دادگاه سیرالئون اشاره داشت. شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۳۱۵ مورخ ۱۴ اوت ۲۰۰۰، وضعیت سیرالئون را خطری بالقوه برای تهدید صلح و امنیت بین‌المللی دانست. شورا در این قطعنامه از دیگر کل سازمان ملل متحد در خواست نمود تا موافقتنامه‌ای را برای ایجاد یک محکمه ویژه و مستقل با دولت سیرالئون تنظیم نماید. با امضای این موافقتنامه در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۲ محکمه مستقلی برای رسیدگی به جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی ارتکاب یافته در سرزمین سیرالئون تأسیس گردید. برخلاف محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا که هردو، رکن فرعی شورای امنیت و محکمه بین‌المللی محسوب می‌گردند، ماهیت دادگاه ویژه سیرالئون ترکیبی از عناصر ملی و بین‌المللی می‌باشد. بودجه این دادگاه برخلاف دادگاه رواندا به عهده سازمان ملل نمی‌باشد. برای اطلاع بیشتر ر.ک. (ماکنزی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳، ص ۲۹۴؛ شایگان، ۱۳۸۲، ص ۳۷-۳۸)

### مبانی حقوقی دادگاه رواندا

رخدادهای اواخر دهه هشتاد میلادی از جمله فروپاشی شوروی و تحولات اروپای شرقی و پیامدهای آن از جمله پایان جنگ سرد، نقطه عطفی را در فعالیتها و تصمیمات شورای امنیت ایجاد نمود. از سال ۱۹۹۰ و با شروع بحران کویت، ناشی از حمله عراق به کویت، قطعنامه‌های شورای امنیت از جهت کیفی و محتوایی شامل موضوعاتی گردید که در فعالیت‌های ۴۵ سال اولیه شورا سابقه نداشته است.

<sup>۱</sup>- Mackenzie

ایجاد کمیسیون خلع سلاح عراق، کمیسیون غرامت، کمیسیون علامت گذاری مرزهای عراق با کویت از جمله این تصمیمات بود که در قالب قطعنامه ۶۸۷ تصویب گردید. نمونه دیگر این اقدامات تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی در بوجکالاوی سابق و متعاقباً ایجاد دادگاه مشابهی در رواندا می‌باشد. اگرچه این تحولات از برخی جهات مورد استقبال کشورها قرار گرفت، حقوقدانان بین‌المللی مشروعیت این تصمیمات را مورد نقد و بررسی قرار داده و بعضی آن‌ها را خارج از صلاحیت شورای امنیت بر اساس منشور دانسته‌اند.

اهمیت مشروعیت دادگاه از آنجا آشکار می‌گردد که تأسیس دادگاه، پیامدهای حقوقی قابل توجهی را از جمله تعهد همکاری کشورها با دستورات و درخواست‌های دادگاه، شناسایی مصنوبیت و مزايا برای کارکنان دادگاه از جانب همه کشورها به دنبال داشته‌است. در تعهدات قراردادی بر اساس موافقت کشورها و برای کشورهای عضو ایجاد تعهد می‌کند؛ اما در خصوص دادگاه رواندا، کشورها بدون این که بر اساس تعهدات قراردادی متعهد به همکاری باشند، به وسیله شورای امنیت متعهد خواهند شد.

سوال اصلی این است که آیا اصولاً شورای امنیت بر اساس منشورسازمان ملل متحد می‌تواند به تأسیس چنین دادگاهی اقدام بنماید؟ با مطالعه منشور این نتیجه حاصل می‌شود که منشور صراحتاً به شورای امنیت اختیار تشکیل چنین دادگاه‌هایی را نداده‌است. یک تئوری در خصوص صلاحیت سازمان‌ها این است که سازمان‌ها تنها به مسائلی می‌توانند پردازنند که اساسنامه و یا معاهده مؤسس آن‌ها صراحتاً به آن‌ها اجازه آن اقدامات را داده باشد. این عقیده و تفسیر هر چند با ظاهر مواد سازگاری و انطباق دارد، با تحولات جامعه بین‌المللی و گستره شدن مسائل جدید تعدیل یافته‌است.

با تفسیر عینی از منشور که مبنی بر شرایط و اوضاع و احوال موجود می‌باشد، اعتقاد به تئوری اختیارات ضمنی شورای امنیت رواج یافته و مقبولیت بین‌المللی پیدا نموده‌است. اختیارات خارج از اساسنامه در چندین رای مشورتی دیوان بین‌المللی

دادگستری، رای مشورتی در سال ۱۹۴۹ در خصوص صلاحیت سازمان ملل برای حمایت از کارکنان سازمان، رای مشورتی ۱۹۶۲ در خصوص برخی از هزینه‌های سازمان ملل متحد و رای مشورتی ۱۹۷۱ در خصوص نامیبیا، مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس رأی مشورتی دیوان در قضیه نامیبیا، شورای امنیت برای رسیدن به اهدافش که همانا حفظ نظام و صلح بین‌المللی است به وسایل و سازکارهای لازم برای رسیدن به آن نیاز دارد، هر چند در محدوده اساسنامه آن نگنجیده باشد. آرای مشورتی فوق مؤید اختیارات ضمنی<sup>۱</sup> سازمان می‌باشد.

شورای امنیت در قطعنامه‌های ۸۲۷ و ۹۵۵ خود با استناد به فصل ۷ منشور اقدام به تأسیس محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا نمود. بر اساس ماده ۳۹ منشور، شورای امنیت در صورت احراز تهدید صلح، نقض صلح و یا اقدام تجاوز کارانه، می‌تواند اقدامات احتیاطی (ماده ۴۰ منشور)، اعمال تحریمات گسترده از جمله اقتصادی، سیاسی (ماده ۴۱ منشور) و اقدامات نظامی (ماده ۴۲ منشور) را تصویب نماید. با مطالعه دقیق مواد فوق، ایجاد محاکم حقوقی نمی‌تواند صراحتاً در قالب فصل ۷ منشور قابل توجیه باشد.

برخی از حقوقدانان و همچنین نمایندگان برخی از کشورها در شورای امنیت، مانند چین و برباد مشروعيت چنین اقداماتی را مورد تردید و سؤال قرار داده‌اند. نماینده برباد در شورای امنیت در خصوص تأسیس محکمه یوگسلاوی سابق اعلام نمود:

«اختیارات شورا از خود شورا نمی‌جوشد، بلکه از این حقیقت سرچشمه می‌گیرد که مسؤولیت‌های معینی توسط اعضای ملل متحد به شورا اعطای شده‌است. اختیارات شورا نمی‌تواند ایجاد شود یا دوباره به وجود آید یا توسط تصمیمات خود شورا متولد

<sup>1</sup>- Implied Powers

شده، به وجود آید، بلکه باید بنا چار بر مقررات خاص منشور مستند باشد. این امر دقیقاً به این علت است که شورا در زمینه حساس سیاسی حفظ صلح و امنیت بین المللی، مسؤولیت خود را با ویژگی نمایندگی اعمال می کند.<sup>۱</sup>

نماینده بزریل همچنین در جلسه دیگر شورا اعلام نمود:

«ایده تأسیس دادگاه، منحصرًا از طریق قطعنامه شورای امنیت، که ما به آن رأی مثبت ندادیم، برخی مسائل حقوقی جدی قبل حلی را در خصوص صلاحیت‌ها و اختیارات اعطا شده به شورای امنیت توسط منشور سازمان ملل به وجود می آورد».<sup>۲</sup>

مواضع اعلام شده به نوعی تاکید بر اختیارات مصرح شورا دارد. نماینده چین در سازمان ملل نیز، با این استدلال به قطعنامه ۹۵۵ رأی ممتنع داد:

«در حال حاضر مردم نسبت به روشی که محکمه بین المللی با قطعنامه شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل تأسیس می شود، تردید و نگرانی دارند. اصولاً، چین برای تأسیس محکمه بین المللی موافق استناد به فصل هفتم منشور توسط قطعنامه شورای امنیت نمی باشد. وضعیتی را که سال گذشته در شورا در خصوص ایجاد محکمه بین المللی برای یوگسلاوی سابق بیان کردم، تغیری پیدا نکرده است»<sup>۳</sup>

المساله صلاحیت دادگاه رواندا و مشروعتی تصمیم شورای امنیت در تأسیس دادگاه در قضیه تادیج یکی از متهمان دادگاه به طور جدی طرح گردید. دادگاه در این قضیه ضمن قانونی دانستن اقدام شورا در تأسیس دادگاه، صلاحیت خود را نیز به رسمیت می شناسد» (آلوارز، ۱۹۹۶، ص ۲).

در جهت توجیه تصمیم شورا، برخی به ماده ۲۹ منشور به عنوان مبنای حقوقی تأسیس محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا استناد نموده اند. این ماده مقرر می دارد:

<sup>۱</sup>- SPV/3215

<sup>۲</sup>- SPV/3217

<sup>۳</sup>- SPV/3453

(شورای امنیت می‌تواند آن گونه از ارکان فرعی را که برای انجام دادن وظایف خود لازم می‌داند، تأسیس نماید.» قابل توضیح است که شورای امنیت در قطعنامه های ۸۲۷ و ۹۵۵ که منجر به تأسیس محاکم کیفری پیش گفته گردید، به هیچ ماده‌ای از منشور استناد ننموده و فقط به فصل ۷ منشور اشاره نموده است و باید توجه داشت که اولاً، ماده ۲۹ در فصل پنجم منشور قرارداده است، نه در فصل هفتم؛ ثانياً، این سوال مطرح است که آیا اصولاً تأسیس محاکم کیفری می‌تواند به عنوان رکن فرعی شورا قابل توجیه باشد؟ به عبارت دیگر، آیا سیاق ماده ۲۹ تحمل چنین تفسیری را دارد؟

اگر بخواهیم توجیهی برای اقدام شورا پیدا کنیم اولاً، باید دکترین صلاحیت‌های ضمنی شورا را بپذیریم؛ در عین حال بین ماده ۲۹ و فصل هفتم منشور ارتباطی ایجاد کنیم. به عبارتی دیگر، ممکن است استدلال شود که شورای امنیت پس از احراز تهدید صلح و بر اساس فصل ۷ منشور اقدامات الزام آوری را اتخاذ نموده، از جمله صلاحیت خود در ایجاد رکن فرعی مندرج در ماده ۲۹ را در چارچوب فصل ۷ انجام داده است. دبیر کل سازمان ملل نیز با همین استدلال اقدام شورا را تأیید نموده است. وی در گزارش مورخ ۳ می ۱۹۹۳ در خصوص تأسیس محکمه یوگسلاوی سابق که به درخواست قطعنامه ۸۰۸ به شورای امنیت ارائه گردید، اعلام نمود:

«با توجه به ضرورت فوریت کار و با توجه به این که ایجاد دادگاه از طریق انعقاد معاهده بین کشورها به زمان و فرصت کافی نیاز می‌باشد، تصمیم شورا را بر اساس فصل ۷ منشور قانوناً قابل توجیه می‌داند».<sup>۱</sup>

دبیر کل همچنین در گزارش خود بیان نمود: «در این قضیه خاص، شورای امنیت به عنوان اقدام الزام آوری تحت فصل ۷ منشور یک رکن فرعی را در چارچوب شرایط ماده ۲۹ منشور ایجاد کرده است، اما با ماهیت قضایی».

### صلاحیت‌های محکمه

صلاحیت‌های محکمه بین‌المللی رواندا در متن اصلی قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت با اختصار بیان شده است. اما مواد ۲ الی ۸ اساسنامه که ضمیمه قطعنامه می‌باشد، صلاحیت‌های موضوعی، شخصی، زمانی، مکانی و موازی محکمه را بیان می‌کنند. مواد ۲۳، ۲۶ و ۲۷ اساسنامه به صلاحیت‌های محکمه در خصوص مجازات‌های قابل اعمال و تخفیف مجازات‌ها می‌پردازند.

صلاحیت موضوعی: جرائم مشمول پیگرد در دادگاه رواندا مواد دو، سه و چهار اساسنامه محکمه رواندا مقرر می‌دارند که جرائم ژنو ساید، جنایات علیه بشریت و تجاوز از مقررات ماده ۳ مشترک بین معاهدات ژنو و پروتکل الحاقی شماره دو، به این شرح صلاحیت موضوعی محکمه را تشکیل می‌دهند: نسل‌کشی (ژنو ساید)

ماده ۲ اساسنامه تعریف و مصادیق ژنو ساید را چنین بیان می‌کند: «نسل‌کشی عبارت است از ارتکاب عمدی هر یک از اعمال زیر به قصد نابودی کامل یا بخشی از یک ملت، قوم و یا گروه‌های نزدیکی یا مذهبی:

- ۱- قتل اعضای گروه؛
- ۲- وارد ساختن آسیب جدی به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه؛
- ۳- قرار دادن عمدی یک گروه در وضعیت زندگی نامناسبی که منجر به نابودی کامل یا جزئی از آن گروه شود؛
- ۴- اقداماتی که با نیت ممانعت از تولید نسل در گروه صورت گیرد؛
- ۵- انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر.»

قابل ذکر است که مصاديق فوق عینا همان موارد مذکور در ماده ۴ اساسنامه محکمه یوگسلاوی می باشد. همین مصاديق در ماده ۶ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری در خصوص نسل کشی تکرار شده است.

پاراگراف سوم ماده ۲ اساسنامه، علاوه بر ارتکاب ژنوسايد، موارد زیر را نيز جرم و قابل مجازات می داند: توطئه و نقشه ریزی برای ارتکاب ژنو ساید؛ تحریک و تهییج مستقیم و عمومی برای ارتکاب ژنوسايد؛ تلاش برای ارتکاب ژنوسايد؛ معاونت در ارتکاب ژنوسايد.

محاکمه «جین پل آکایسو»<sup>۱</sup> شهردار قبلی در رواندا يك واقعه تاریخی محسوب می شود. وی اولین کسی بود که توسط يك محکمه بین المللی به ارتکاب جرم ژنوسايد محکوم شد. دادگاه در این رأی، تعریف ژنوسايد را که در کتوانسیون ۱۹۴۸ در خصوص ممنوعیت و مجازات جرم ژنوسايد درج شده بود، تحلیل و تفسیر نمود و به طور قابل توجهی حقوق را در این قسمت توسعه داد. به طور مثال، دادگاه اعلام نمود که تجاوز جنسی و خشونتهای جنسی مصدق عمل ژنوسايد خواهد بود؛ اگر این جرم با نیت نابودی يك گروه مورد حمایت دادگاه انجام پذیرد. محکمه همچنین تجاوز جنسی را مصدق جرائم علیه بشریت قلمداد نمود (بوئد، ۲۰۰۱، ص ۶۲).

#### جنایات علیه بشریت

ماده ۳ اساسنامه مقرر می دارد که محکمه صلاحیت پیگرد اشخاصی را خواهد داشت که جرائم زیررا در چارچوب يك حمله گسترده یا سازمان یافته علیه يك جمعیت غیر نظامی، به دلایل ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا مذهبی مرتکب شده باشند:

<sup>۱</sup>- Jean Paul Akayesu

قتل<sup>۱</sup>، ریشه کن سازی<sup>۲</sup>، به بردگی گرفتن<sup>۳</sup>، تبعید<sup>۴</sup>، زندانی نمودن، شکنجه<sup>۵</sup>، تجاوز جنسی<sup>۶</sup>، تعقیب و آزار یک گروه به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی و در نهایت دیگر اقدامات غیر انسانی.

ماده ۵ اساسنامه محکمه یوگسلاوی سابق ضمن بیان مصاديق مذکور، این جرائم را زمانی قابل مجازات می داند که در یک مخاصمه مسلحانه بین الملل و یا داخلی عليه یک جمعیت غیر نظامی ارتکاب یابد. در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری نیز مصاديق و جزیيات بیشتری از جنایات علیه بشریت مصاديق ذکر گردیده است. در اساسنامه دیوان، ناپدید کردن اجباری اشخاص و جنایت تبعیض نژادی نیز از مصاديق جنایات علیه بشریت ذکر گردیده است. همچنین علاوه بر تجاوز جنسی؛ برده گیری جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری و عقیم نمودن اجباری نیز از مصاديق جنایات علیه بشریت بیان شده است. ماده ۷ اساسنامه در پایان، اعمال غیر انسانی مشابه دیگر را که عامدا به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت گیرد؛ جنایت علیه بشریت می داند. در این ماده همچنین مفاهیم به بردگی گرفتن، ریشه کن کردن، حاملگی اجباری و جنایت تبعیض نژادی تعریف شده است.

نقض ماده ۳ مشترک بین معاهدات ژنو و پروتکل الحاقی شماره ۲ در این بخش توجه اساسنامه به جنایات جنگی و حقوق بشر دوستانه می باشد. مهم ترین اسناد حقوق بین الملل در این خصوص عبارتند از: معاهدات چهار گانه ژنو، ۱۲

<sup>۱</sup>- Murder

<sup>۲</sup>- Extermination

<sup>۳</sup>- Slaveholding

<sup>۴</sup>- Banishment

<sup>۵</sup>- Affliction

<sup>۶</sup>- Rape

اوّت ۱۹۴۹ در حمایت از قربانیان جنگ و پروتکل الحاقی شماره ۱، درخصوص مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و پروتکل الحاقی شماره ۲، درخصوص مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، به معاهدات ژنو ۱۹۴۹ می‌باشد. هر دو پروتکل در سال ۱۹۷۷ در ژنو به امضای رسیده است.

ماده ۴ اساسنامه محکمه تخطی، از مقررات ماده ۳ مشترک میان معاهده ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی دوم را جرم تلقی نموده، مرتکبان آن را قابل کیفر می‌داند. مصادیق این جرائم که محدود به این موارد نمی‌باشد، عبارتند از: تعرض و تخلف نسبت به جان، و سلامتی روحی و جسمی افراد، خصوصاً قتل و رفتار بی‌رحمانه از قبیل شکنجه، قطع عضو و یا مجازات بدنی؛ مجازات‌های جمعی؛ گروگانگیری؛ اقدامات تروریستی؛ تجاوز به حیثیت افراد، خصوصاً رفتار اهانت و تحریق آمیز، تجاوز جنسی، وادار ساختن به روپیگری و هر گونه حمله ناشایسته؛ غارت<sup>۱</sup>؛ زندانی نمودن و اعدام بدون حکم قبلی دادگاه که در آن کلیه تضمینات قضایی که توسط ملل متمدن شناخته شده‌است، رعایت شود؛ و تهدید برای ارتکاب هر یک از اقدامات پیش گفته.

#### صلاحیت شخصی

بر اساس ماده ۵ اساسنامه، این محکمه همانند دادگاه یوگسلاوی سابق تنها نسبت به اشخاص حقیقی در ارتباط با ارتکاب جرائم مندرج در اساسنامه صلاحیت دارد. به عبارت دیگر، اشخاص حقوقی، مانند مؤسسات و سازمان‌های دولتی و یا غیر دولتی از شمول صلاحیت محکمه خارج می‌باشند. البته این امر به معنای مصونیت مقامات دولتی نمی‌باشد. اساسنامه دادگاه روندا، مانند دادگاه یوگسلاوی و دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد که موقعیت و سمت رسمی هیچ فرد متهمی، خواه به عنوان رئیس دولت

<sup>۱</sup>- Pillage

یا حکومت و یا به عنوان یک مقام دولتی مسؤول وی را از مسؤولیت کیفری مبرأ نمی‌سازد و سبب تخفیف مجازات وی نمی‌شود (بند ۲ ماده ۶ اساسنامه).

اعمال این مقررات از این جهت قابل توجه است که در تعارض با شناسایی سنتی مصونیت برای مقامات دولتی است که بارزترین آن مصونیت از تعقیب رئیس دولت یا حکومت در محاکم داخلی می‌باشد. مهم ترین قضیه در این خصوص، محاکمه کامباندا<sup>۱</sup> نخست وزیر سابق رواندا می‌باشد که به حبس ابد (بالاترین مجازات ممکن در دادگاه) محکوم گردید (بوند، ۲۰۰۱، ص ۶۲). براساس آمار موجود علاوه بر نامبرده، ۷ وزیر کاینه و یک نماینده و نه نیروی نظامی حکومت سابق رواندا جزء محکومین می‌باشند (سایت اینترنتی دادگاه).

دادگاه، علاوه بر مرتكبین اصلی جرم، صلاحیت وسیعی دارد تا معاونین و مسیبین جرم را نیز مجازات نماید. بر اساس بندهای ماده ۶ اساسنامه فردی که یکی از جرائم مندرج در مواد ۲ الی ۴ اساسنامه را طراحی نماید، تحریک و تشویق نماید، امر نماید، مرتكب شود یا به نوعی دیگر در طراحی، زمینه سازی و اجرای آن جرم کمک و مشارکت نماید، مسؤولیت فردی نسبت به آن جرم خواهد داشت.

بر اساس مقررات دادگاه، نه مافوق مبرا از مسؤولیت کیفری می‌باشد و نه زیر دست و مأمور تحت امر فرمانده. اقدامات انجام یافته از سوی متهم، مافوق و فرمانده وی را از مسؤولیت کیفری مبرأ نمی‌سازد به شرطی که مافوق از ماهیت جرائم ارتکاب یافته از سوی زیرستان خود مطلع بوده، یا منطقاً می‌بایستی مطلع بوده باشد. همچنین اگر مافوق اقدامات ضروری و منطقی را برای جلوگیری از ارتکاب چنین اعمالی از سوی زیرستان خود اتخاذ نکرده باشد و یا پس از ارتکاب، آنها را مجازات ننماید، مسؤولیت خواهد داشت (بند ۳ ماده ۶ اساسنامه). در مقابل، مأموران نیز نمی‌توانند با

<sup>۱</sup>- Kambanda

ارتكاب جرائم یاد شده به بهانه دستور مافوق از مسؤولیت کیفری نسبت به جرائم ارتکاب یافته میرا شوند؛ اما ممکن است در صورتی که دادگاه رواندا مقتضای عدالت تشخیص دهد، نسبت به مجازات آن‌ها تخفیف داده خواهد شد (بند ۴ ماده ۶ اساسنامه).

#### قلمرو زمانی و مکانی دادگاه رواندا

دادگاه رواندا منحصر به حوزه‌های جغرافیایی خاص، موقت و محدود به زمان خاص می‌باشد. قلمرو مکانی در این دادگاه طبق تصریح ماده ۱ اساسنامه عبارت است از: صلاحیت تعقیب کسانی که در خاک رواندا مرتكب ژنوسايد و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی شده باشند. محکمه همچنین صلاحیت دارد تا اتباع رواندایی را که در سرزمین سایر کشورهای همسایه<sup>۱</sup> مرتكب ژنوسايد و دیگر نقض‌های مندرج در اساسنامه شده باشند، محکمه نماید. اما صلاحیت محکمه سیرالئون تنها برای جرائمی است که در قلمرو خود کشور سیرالئون اتفاق افتاده است و به کشورهای همسایه گسترش پیدا نمی‌کند.

صلاحیت و قلمرو زمانی محکمه، بر اساس ماده ۱ در فاصله زمانی اول ژانویه ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ سال می‌باشد و فقط به جرائم ارتکاب یافته در مقطع یاد شده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. باید خاطر نشان کرد که ایجاد چنین محدودیت زمانی، عملاً مشکلاتی را به وجود آورده است. به طور مثال، در سال ۱۹۹۸ هزاران آواره در منازعات قومی رواندا به قتل رسیدند، حال آن که طبق اساسنامه دادگاه رواندا صلاحیت این دادگاه به وقایعی محدود می‌شود که در سال ۱۹۹۴ رخ داده است. قابل ذکر است که صلاحیت زمانی دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، در خصوص جرائم ارتکاب یافته از تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۱ به بعد می‌باشد، برخلاف دادگاه

<sup>۱</sup>- مانند اوگاندا و بروندي که احیاناً در قطعنامه‌های شورای امنیت به توضیحاتی در مورد وظایف این دولتها اشاره‌هایی به میان آمده است.

رواندا که تاریخ مشخصی برای انتهای صلاحیت زمانی دادگاه یو گسلاوی تعین نشده است.

در دیوان بین المللی کفری، قاعده عطف به ماسق نشدن حاکم است و به عنوان دیوان دائمی، درخصوص صلاحیت زمانی رویکرد آن به آینده می باشد. ماده ۱۱ اساسنامه رم مقرر می دارد که جرائمی که قبل از لازم الاجرا شدن اساسنامه ارتکاب یافته باشند، قابل پیگرد و محاکمه در دیوان خواهند بود.

#### مجازات های قابل اعمال

شعبه های محکمه رواندا فقط مجازات زندان را می توانند صادر کنند. شدیدترین مجازات حبس ابد می باشد و امکان حکم اعدام وجود ندارد. در خصوص تعیین شرایط زندان، شعبه های رسیدگی، به رویه عمومی دادگاه های ملی رواندا، در خصوص احکام زندان، رجوع خواهند کرد. در صدور حکم زندان، شعبه های محکمه باید عواملی از قبیل شدت جرم و شرایط فردی شخص محکوم را در نظر بگیرند. شعبه های محکمه علاوه بر زندان ممکن است احکام دیگری صادر نمایند. دادگاه می تواند حکم دهد تا اموال و اشیایی که از طریق رفتار مجرمانه از جمله اکراه کسب شده است، به مالکان واقعی آنها بازگردانده شوند (بندهای ۱-۳ ماده ۲۳ اساسنامه).

محکومین زندان خود را در رواندا یا در هر کشور دیگری که تمایل خود را برای پذیرش افراد محکوم به شورای امنیت اعلام نموده اند، با تعیین محکمه رواندا سپری خواهند نمود. اجرای حکم زندان بر طبق حقوق قابل اعمال کشور مربوطه خواهد بود، البته با نظارت محکمه رواندا (ماده ۲۶ اساسنامه). اگر بر اساس حقوق کشوری فردی که محکومیت خود را در آن کشور می گذراند، مستحق عفو و یا تخفیف مجازات شود؛ کشور مربوطه باید این امر را به اطلاع محکمه رواندا برساند. فقط زمانی عفو یا تخفیف انجام خواهد گرفت که رئیس محکمه رواندا، با مشورت قضات، چنین عفو یا تخفیفی را در جهت عدالت و اصول کلی حقوق تلقی کند (ماده ۲۷ اساسنامه).

صلاحیت موازی: رابطه محاکمه با دادگاه‌های ملی کشورها یکی از ویژگی‌های دادگاه رواندا و دادگاه یوگسلاوی سابق، داشتن صلاحیت موازی با دادگاه‌های ملی کشورها می‌باشد. طبق تصریح بند یک ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه رواندا، ماهیت موازی بودن صلاحیت دادگاه مزبور و دادگاه‌های ملی برای تعقیب متهمین به نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه به رسمیت شناخته شده است. با وجود این، طبق بند دو ماده مذکور صلاحیت دادگاه بین‌المللی رواندا بر دادگاه‌های ملی کلیه دولت‌ها مقدم می‌باشد. محاکمه بین‌المللی رواندا در هر مرحله از رسیدگی ممکن است رسماً از محاکم ملی کشورها در خواست نماید که به صلاحیت این محاکمه احترام بگذارند (کریانگسانک، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

با توجه به حجم گسترده جرائم و سیاست کلی محاکمه، مبنی بر محاکمه رهبران و مجرمان اصلی، صلاحیت موازی دادگاه و مجاز بودن محاکم ملی رواندا در محاکمه مجرمین، نه تنها قابل درک، بلکه ضروری می‌باشد. اما با توجه به متفاوت بودن قانون قابل اعمال در محاکم داخلی با اساسنامه محاکمه و همچنین تفاوت‌های قوانین کشورها با یکدیگر، به نظر می‌رسد که عدالت کیفری به نحو احسن قبل اجرا نباشد.

### ساختمان و تشکیلات دادگاه رواندا

مواد ۱۰ الی ۱۶ اساسنامه دادگاه به شرح ساختار و شیوه انتخاب قضات دادگاه می‌پردازد. بر اساس ماده ۱۰، دادگاه از سه رکن اصلی، شعبه‌های رسیدگی، دادستانی و دبیرخانه تشکیل می‌گردد:

#### شعبه‌های رسیدگی

دادگاه دارای ۳ شعبه رسیدگی بدروی و یک شعبه رسیدگی استینافی<sup>۱</sup> می‌باشد. در مجموع ۱۶ قاضی دائمی که باید دو نفر از آن‌ها دارای یک تابعیت باشند، در

<sup>۱</sup>- Appeal Chamber

شعبه‌ها فعالیت خواهند نمود. در هر شعبه ۳ قاضی دائمی و حداً کثر ۴ قاضی موقت<sup>۱</sup> حضور خواهند داشت. البته هر شعبه‌ای که دارای قاضی موقت باشد، می‌تواند به بخش‌هایی که هر کدام دارای سه قاضی متشكل از دائم و موقت باشند، تقسیم شوند. این بخش‌ها همان اختیارات و صلاحیت‌هایی را که در اساسنامه برای شعبه‌ها ذکر شده‌است، خواهند داشت (ماده ۱۱ بندهای ۲ - ۱).

در شعبه استیناف ۷ قاضی دائم عضویت دارند و در هر رسیدگی استینافی حداقل باید ۵ قاضی حضور داشته باشند (بند ۳ ماده ۱۱). اگر فردی از قضات دارای تابعیت مضاعف یا بیشتر از یک تابعیت باشد، تابعیت غالب وی ملاک عمل خواهد بود. بر اساس بند ۴ ماده ۱۱ اساسنامه، تابعیتی که آن فرد در آن حقوق سیاسی و مدنی را به طور عادی اعمال می‌کند، تابعیت غالب محسوب شده، ملاک عمل خواهد بود.

#### دادستان

دادستان مسؤولیت تحقیق و تعقیب اشخاصی که نقض‌های جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را با شرایطی که قبلًا در صلاحیت‌های دادگاه ذکر شد، مرتکب شده باشند؛ به عهده دارد (بند ۱ ماده ۱۵). استقلال قضایی دادستان در دادگاه رواندا مورد تأکید قرار گرفته، به عنوان یک ارگان مستقل دادگاه عمل خواهد نمود و نباید هیچ توصیه و راهنمایی را از دولت‌ها و یا مراجع دیگر دریافت کند و پذیرد (بند ۲ ماده ۱۵).

اداره دادستانی دادگاه رواندا، همانند خود دادگاه در شهر آروشا جمهوری تانزانیا مستقر است. بر اساس بند ۳ ماده ۱۵ اساسنامه دادگاه دادستان دادگاه رواندا با دادگاه یوگسلاوه سابق مشترک می‌باشد و توسط شورای امنیت انتخاب می‌شود. در قطعنامه ۱۵۰۳ مورخ ۲۸ آگوست شورای امنیت تصمیم گرفت تا دادستان‌های این دو

<sup>۱</sup>- Ad litem judge

محکمه را تفکیک نماید. بر اساس این قطعنامه، آقای حسن بویکر جالو<sup>۱</sup> از ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۳ به عنوان دادستان مستقل محکمه رواندا فعالیت خود را آغاز نمود.<sup>۲</sup>

#### دبیرخانه

دبیرخانه دادگاه، مسؤولیت اداره و خدمات رسانی دادگاه بین المللی رواندا را بر عهده دارد و شامل رئیس دبیرخانه و کارکنان دیگری که مورد نیاز باشد، خواهد بود. رئیس دبیرخانه از سوی شخص دبیرکل سازمان ملل و پس از مشورت با رئیس دادگاه رواندا برای مدت چهارسال و با امکان انتخاب مجدد، انتصاب می شود. دیگر کارکنان دبیرخانه نیاز سوی دبیرکل سازمان ملل و با توصیه رئیس دبیرخانه انتصاب می شوند (ماده ۱۶ اساسنامه). همان گونه که در بخش عدالت کیفری بیان خواهد شد، واحد حمایت از شاهدان و قربانیان، زیر نظر رئیس دبیرخانه فعالیت می کند.

#### مزایا و مصونیت‌های قضات و کارکنان دادگاه

در حقوق بین الملل عرفی و معاهدات بین المللی، مزایا و مصونیت‌های ویژه‌ای برای دیپلمات‌ها و اماکن دیپلماتیک و همچنین برای سازمان‌های بین المللی و کارکنان آن‌ها پیش‌بینی شده است. محکمه بین المللی رواندا، به عنوان رکن فرعی شورای امنیت دارای مزایا و مصونیت‌های خاص سازمان ملل می باشد.

اساسنامه محکمه رواندا مقرر می‌دارد که مفاد کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل مصوب ۱۳ فوریه ۱۹۴۶، نسبت به محکمه رواندا؛ قضات؛ دادستان و کارمندان وی و رئیس دبیرخانه و کارمندان وی قابل اعمال خواهد بود (بند ۱ ماده ۲۹). علاوه بر کنوانسیون مذکور، قضات، دادستان و رئیس دبیرخانه از مزایا و مصونیت‌هایی که بر اساس حقوق بین الملل برای هیأت‌های دیپلماتیک فراهم شده،

<sup>۱</sup>- Hassan Bubacar Jallow

<sup>۲</sup>- از دادستان‌های سابق این دادگاه می‌توان به خانم لوییز آربور یا ریچارد جی گلدستون اشاره داشت.

بهره‌مند خواهند شد (بند ۲ ماده ۲۹ اساسنامه). هیأت‌های دیپلماتیک، بر اساس کتوانسیون وین ۱۹۶۱ در خصوص حقوق دیپلماتیک، از مزايا و مصونیت‌های گسترده‌ای از جمله مصونیت از تعرض، مصونیت‌های کیفری و مدنی و معافیت‌های مالیاتی و گمرکی برخوردارند. بر اساس اساسنامه محکمه رواندا، به هر حال حال کارکنان و دادستان و دیرخانه شامل این نوع مصونیت‌ها و مزايا نخواهند شد.

در مقابل، کارمندان فوق از مزايا و مصونیت‌هایی که برای کارمندان سازمان ملل، بر اساس مواد ۶ و ۷ کتوانسیون ۱۹۴۶ مذکور منظور گردیده، برخوردار خواهند شد (بند ۳ ماده ۲۹ اساسنامه). بر اساس این مواد، کارشناسان سازمان ملل در حال اجرای مأموریت و حتی در حین سفر، از مزايا و مصونیت‌هایی که برای انجام دادن وظایفشان ضروری باشد، برخوردار خواهند بود. از جمله، از دستگیری، بازداشت و ضبط اموال و اشیا مصونیت خواهند داشت. در خصوص گفته‌ها و نوشت‌های خود و اقداماتی که انجام می‌دهند، از هرگونه اقدام حقوقی مصونیت خواهند داشت و از مزايا خاص برای مسافرت از جمله گذرنامه سیاسی برخوردار خواهند بود.

در ماده ۳۰ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق نیز، کلیه موارد فوق در خصوص مزايا و مصونیت‌ها، برای قضات و کارمندان این دادگاه پیش‌بینی گردیده است.

### تعهد دولت‌ها برای همکاری با محکمه

بر طبق بند ۱ ماده ۲۸ اساسنامه محکمه رواندا، دولت‌ها موظفند در جهت تحقیق و تعقیب افراد متهم به ارتکاب نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، با دادگاه همکاری کنند. کشورها همچنین باید از هر نوع درخواستی که توسط شعبه‌ای از دادگاه برای ارائه مساعدت یا برای اجرای دستور خاصی صادر می‌شود، بدون تاخیر پیروی نمایند. ممکن است که دادگاه خواستار همکاری دولت‌ها و اجرای دستورهای خود در موارد زیر باشد: ارائه هویت و موقعیت اشخاص، اخذ شهادت و ارائه ادله، ارائه

اسناد، دستگیری یا بازداشت اشخاص، تحويل یا انتقال متهمین به دادگاه بین‌المللی رواندا. البته این موارد فقط نمونه‌ای از مصادیق همکاری می‌باشد نه همه آن‌ها (بند ۲ ماده ۲۸ اساسنامه). کشوری که حکم دستگیری یا انتقال شاهدی به او داده شده است، باید بدون تأخیر و با سعی و کوشش کامل اقدامات لازم و مؤثر را برای اجرای حکم یاد شده به عمل آورد (قاعده ۵۶ آئین دادرسی محکمه).

در ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق عیناً همین مقررات در خصوص تعهد دولت‌ها به همکاری بیان گردیده است.

بر خلاف تعهدات مندرج در معاهدات بین‌المللی، از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (رم ۱۹۹۸)، که اساس آن تعهدات قراردادی بوده و فقط کشورهای تصویب کننده آن اساسنامه را شامل می‌شود؛ تعهدات مندرج در اساسنامه محکمه رواندا (ضمیمه قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت) شامل کلیه کشورهای عضو سازمان ملل می‌شود. بر اساس برخی استدلال‌ها، حتی ممکن است کشورهای غیر عضو را هم در بر گیرد.

آنچه مسلم است، این که همه کشورهای عضو سازمان ملل، بر اساس ماده ۲۵ منشور موظفند تصمیمات شورای امنیت از جمله اساسنامه محکمه رواندا را اجرا نمایند. اما در خصوص کشورهای غیر عضو سازمان، بر اساس بند ۶ ماده ۲ منشور، تصمیمات شورای امنیت بر اساس فصل ۷ که در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ می‌شود، مانند اعمال تحریمات اقتصادی؛ برای کشورهای غیر عضو سازمان ملل نیز الزام آور خواهد بود. با توجه به این نکته که قطعنامه ۹۵۵ شورا بر اساس فصل هفتم منشور تصویب شده است، با تفسیر موسع می‌توان تعهدات کشورها مبنی بر همکاری با محکمه راحتی برای کشورهای غیر عضو نیز الزام آور دانست.

در خصوص ضمانت اجرای همکاری دولت‌ها با دادگاه، ماده ۷ مکرر آین رسیدگی دادگاه روندا مقرر می‌دارد: «در صورت عدم اطاعت کشورها از درخواست های دادگاه، رئیس دادگاه ممکن است این امر را برای اتخاذ اقدام لازم به شورای امنیت

گزارش کند». در واقع شورای امنیت مجاز است برای مقابله با کشورهای مختلف بر حسب مورد تصمیمات مقتضی اتخاذ نماید.

در جهت اجرای ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه، کشورهای رواندا، مالی، سنگال، زامبیا، به درخواست محکمه اقدامات محافظتی لازم را برای شاهدان دادگاه در سرزمین های خودشان منظور نمودند. کشورها همچنین از اجرای احکام دادگاه استقبال کردند و مالی اولین کشوری بود که امکانات زندان را برای محکومین فراهم نمود<sup>۱</sup> (سایت اینترنتی دادگاه).

### عدالت کیفری

در اساسنامه محکمه رواندا و همچنین در آین دادرسی و ادله<sup>۲</sup> آن، ترتیباتی خاص برای حمایت از حقوق متهمین، محکومین و شاهدان و قربانیان پیش بینی گردیده است. این بخش به بیان نکات اساسی حمایت های مذکور اختصاص داده شده است.

### حقوق متهمین

بر اساس ماده ۲۰ اساسنامه محکمه، کلیه متهمین از حقوق و حمایت های زیر برخوردار خواهند بود:

۱- تمامی اشخاص در برابر محکمه بین المللی رواندا مساوی خواهند بود؛

۲- فرد متهم در خصوص اتهامات واردہ علیه خود، با رعایت مفاد ماده ۲۱ اساسنامه درخصوص حمایت از قربانیان و شاهدان، حق دسترسی به یک رسیدگی عمومی و عادلانه را خواهد داشت؛

۳- فرض بر این خواهد بود که متهم بی گناه است، مگر این که بر اساس مقررات اساسنامه محکمه مجرم شناخته شود؛

<sup>۱</sup>- کشورهای دیگری مانند بنین، سوئیس، فرانسه، ایتالیا و سوئد نیز همین مساعدت را اعلام نمودند.

<sup>۲</sup>- Rule of Procedure and Evidence

۴- در صورت وارد ساختن اتهام علیه متهم بر طبق اساسنامه، وی مستحق داشتن

تضمينات حداقلی زیر خواهد بود:

الف - ماهیت و دلیل اتهامی که علیه متهم وارد می شود، باید به زبانی که می فهمد،  
به وی تفهیم شود؛

ب - باید تسهیلات و زمان کافی برای آمادگی دفاع از خود را و همچنین برای  
ارتباط با مشاوری که خودش انتخاب می کند، داشته باشد؛  
ج - محاکمه وی باید بدون تأخیر غیرعادی انجام گیرد.

#### عدم محاکمه مجدد نسبت به جرم واحد

در نظام های حقوقی موجود، عدم محاکمه مجدد برای جرم واحد<sup>۱</sup>، یکی از  
اصول عدالت کیفری محسوب می گردد. همین اصل در محاکم بین المللی نیز شناخته  
شده است. اگر فردی در محاکم بین المللی محاکمه گردد، برای همان جرم در محاکم  
داخلی نباید محاکمه شود و یا بالعکس. ماده ۹ اساسنامه محکمه رواندا مقرر می دارد:

۱- هیچ فردی نباید در خصوص ارتکاب اقدامات نقض فاحش حقوق بشر دوستانه  
طبق اساسنامه حاضر، که قبلاً در محکمه بین المللی رواندا محاکمه شده است، دوباره در  
یک محکمه ملی محاکمه شود؛

۲- اما اگر فردی در یک محکمه ملی در خصوص جرائم مذکور محاکمه شود، در  
موارد زیر ممکن است مجدداً توسط محکمه بین المللی رواندا محاکمه شود:

الف - محاکمه او به عنوان جرم عادی در محکمه داخلی انجام گرفته باشد؛  
ب - رسیدگی های محکمه ملی بی طرفانه و مستقل نبوده باشد و در جهت نجات  
متهم از مسؤولیت کیفری بین المللی باشد و یا این که پرونده با کوشش کافی رسیدگی  
نشده باشد.

<sup>۱</sup>- Non Bis in Idem

۳ در خصوص اعمال مجازات نسبت به شخصی که طبق اساسنامه محکمه محکوم به جرمی شده باشد، محکمه رواندا آن حد مجازاتی را که توسط محکمه ملی نسبت همان شخص در خصوص همان جرم اعمال شده است، در نظر خواهد گرفت

#### حمایت از شاهدان و قربانیان

ماده ۲۱ اساسنامه، دادگاه رواندا را موظف می سازد که در آیین دادرسی و ادله مقرراتی را برای حمایت از شاهدان و قربانیان پیش بینی نماید. از جمله این حمایت ها، حفظ هویت قربانی می باشد. براساس قاعده ۳۴ آیین دادرسی دادگاه، تأسیس واحد حمایت از شاهدان و بزه دیدگان با اختیارات رئیس دبیرخانه و مشکل از کارمندان صلاحیتدار، پیش بینی گردیده است.

واحد حمایت از شاهدان و قربانیان در سال ۱۹۹۶ برای اجرای دستورات محکمه زیر نظر رئیس دبیرخانه تأسیس گردید. اهم خدماتی که توسط این واحد ارائه می گردد عبارت است از: مراقبت های روانپزشکی و پزشکی از شاهدان در صورت نیاز و نگهداری از کودکان شاهدان در مقاطعی که آنها از کشور ویا از محل اقامت خود دور می باشند.

با وجود تأسیس واحد مذکور، با توجه به حجم گسترده جرائم ارتکاب یافته، ارائه کامل کلیه خدمات پیش بینی شده مشکل به نظر می رسد. برخی از گزارش ها از عدم اجرای مفاد مقررات تعیین شده برای حمایت از شاهدان حکایت دارد. از جمله رفتارهای ناشایست و حتی مزاحمت های جنسی توسط کارمندان محکمه در حین مصاحبه با شاهدان و اخذ شهادت از آنها؛ انتشار اسناد سری دادگاه به بیرون از دادگاه و عدم مقابله جدی محکمه از کپی و تکثیر این اسناد؛ عدم امنیت جانی شاهدان و به قتل رسیدن برخی از آنها (اون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲، ص ۹).

<sup>۱</sup>- Owen

آمار مربوط به فعالیت واحد حمایت از شاهدان و قربانیان

در سال های ۱۹۹۷-۲۰۰۴

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	
۲۴۴	۱۱۳	۵۸	۱۳۴	۵۶	۲۴	۲۹	۷۸	تعداد شاهدان علیه متهمین
۳۹	۳۱۵		۲۹	۲۳	۱۰	۳۶	۴	تعداد شاهدان له متهمین
۴۰۷۴		۲۷۴۹			۲۳۰۰	۱۴۰۰	۱۰۴۰	آمار حمایت از شاهدان بر اساس نفر به روز
				۳۸	۳۲	۱۱	۱۰	تقاضاهای تغییر محل سکونت
				۲۴	۸۳	۳۲	۷۱	شاهدانی که به حمایت های بیشتری نیاز داشتند
۲۱۴	۱۵۲			۴۳	۱۲۰	۵۲	۵۴	شاهدان نیازمند به حمایت های پزشکی و روانپزشکی

منبع: ترجمه از سایت اینترنتی دادگاه

### گزارشی از وضعیت دعاوی و متهمان در دادگاه

اولین متهم در می ۱۹۹۶ به بازداشتگاه دادگاه وارد شد و اولین محاکمه در ژانویه ۱۹۹۷ آغاز گردید. بنابر آخرین اطلاعات در خصوص دعاوی مختومه تا ژوئن ۲۰۰۶ تعداد ۲۲ رأی در خصوص ۲۸ متهم صادر گردیده است. به طور مثال می توان به پرونده «جین آکایسو» اشاره نمود که اتهامات او طبق مواد ۱ الی ۴ و ماده ۱۷ اساسنامه این دادگاه، نسل کشی، جنایات علیه بشریت، شکنجه، هتك حرمت و تجاوز جنسی نام برده شده است. سرانجام این دعوا صدور حکم جبس ابد برای متهم بود. همچنین یکی پروندهایی که دادگاه رواندا بدان رسیدگی کرد، پرونده نخست وزیر سابق دولت رواندا، «جین کاماندا» بود که اعتراف به نسل کشی نمود. نخستین بار در طول تاریخ بوده است که متهم به ژنو ساید خود، صراحتاً آن را گردن می گیرد. دیگر این که این مورد از این لحاظ که اولین محاکمه فردی برای نسل کشی بود، بسیار حائز اهمیت می باشد. سرانجام این پرونده نیز صدور حکم جبس ابد برای متهم بود. از محکومین دیگر دادگاه، «پالین نیریاماشیکا»<sup>۱</sup> وزیر زنان و

<sup>۱</sup>- Paulin Nyriamashika

خانواده رواندا می باشد که خود بخش اعظمی از کشتار مردان رواندا را عهده دار بوده است (پیس، ۱۳۸۴، ص ۴۲۳).

دعاوی در مرحله استیناف، در حال دادرسی در محکمه ابتدایی و دعاوی در حال انتظار برای رسیدگی به ترتیب ۸، ۲۷، و ۱۴ مورد می باشد. ۵ متهم نیز به دلیل فقدان مدرک به طور مشروط یا به طور کامل آزاد شدند (سایت اینترنتی دادگاه).

#### آمار بازداشت شدگان دادگاه

تعداد نفرات	وضع افراد
۲۷	بازداشت شدگان در حال محاکمه
۱۴	بازداشت شدگان منتظر محاکمه
۱۱	منتظر انتقال
۸	در حال استیناف
۶۰	جمع بازداشت شدگان در آروشما
۶	افراد در حال گذراندن زندان (در کشور مالی)
۶۶	کل افراد دستگیر شده
۵	افراد آزاد شده
۱	فوت شده
۲۸	افرادی که پرونده آنها مختومه شده است
۲۲	
۷۲	مجموع افراد دستگیر شده

منبع: سایت اینترنتی دادگاه

#### آمار آرای صادر شده توسط محکمه

توضیح	تعداد آراء	سال	
در خصوص ۷ نفر	۶	۱۹۹۵-۱۹۹۹	۱
در خصوص ۱۴ متهم	۹	۱۹۹۹-۲۰۰۳	۲
در خصوص ۷ نفر	۷	۲۰۰۳-۲۰۰۷	۳

منبع: سایت اینترنتی دادگاه

### نتیجه

محکمه کیفری رواندا، همانند دادگاه یوگسلاوی سابق، براساس قطعنامه شورای امنیت، تحت فصل ۷ منشور ملل متحده، برای محکمه اشخاصی که مرتکب نسل کشی و نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی گردیده بودند، تأسیس گردید. با توجه به این که مکانیسم حقوقی رسمی وجود ندارد که تصمیمات شورای امنیت را مورد بررسی و قضاؤت قرار دهد، و احتمال خروج از صلاحیت شورا، از اختیارات و وظایف قید شده در منشور را اعلام نماید؛ ارزیابی مشروعیت تصمیم شورا در تأسیس دادگاه بین‌المللی رواندا کار آسانی نمی‌باشد. با وجود این، و برغم ابراز تردید برخی صاحب نظران، مشروعیت تأسیس این محکمه، با استناد به اختیارات ضمنی شورای امنیت مورد تأیید قرار گرفته است.

استقرار محکمه بین‌المللی رواندا، سبب گشت تازمینه‌های لازم برای رونق گرفتن و توسعه حقوق و عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد گردد. سیاست کلی محکمه در محکمه سران و عاملان اصلی نسل کشی، جنبه سمبیلیک داشته و اثر عبرت آموزی دارد؛ اما توجه به حجم تخلفات صورت گرفته و کشته شدن صدها هزار نفر در رواندا، محکمه تنها حدود ۷۰ نفر نمی‌تواند به معنای واقعی عدالت کیفری را تحقق بخشد. اگرچه محکم داخلی نیز صلاحیت رسیدگی دارد، باز به دلیل حجم وسیع جرائم و نبودن تعداد کافی قضات در رواندا، دادگاه‌های ملی نیز نسبت به تحقق کامل عدالت کیفری در خصوص مجرمین، قادر نخواهند بود.

با توجه به ابعاد اسفبار انسانی و دردناک و غیر قابل جبران نسل کشی رواندا، مشکلات عدیده و پیچیدگی رسیدگی‌های قضایی محکمه بین‌المللی و بودجه‌های سنگین آن، اهمیت سیاست‌های پیشگیرانه از وقوع بحران‌های مشابه آشکار می‌گردد. شورای امنیت سازمان ملل، در این‌ای وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی خود، باید رویکرد پیشگیرانه را در وقوع بحران‌های بین‌المللی، بیشتر مورد توجه قرار دهد.

## ماخذ

پیس، کلی - کیت اس، سازمان های بین المللی، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی،  
تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.

شایگان، فریده، دادگاه ویژه سیراللون، بولتن مرکز مطالعات بین المللی دانشگاه تهران،  
سال سوم، شماره ۳، ۱۳۸۲.

کریانگسانک، کیتایچایساری، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین آقایی جنت  
مکان، تهران، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۲.

میر محمد صادقی، حسین، اساسنامه محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا در یک نگاه،  
ماهnamه دادرسی، سال دوم، شماره هفتم، تهران، ۱۳۷۷.

میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، تهران، نشر میزان،  
۱۳۷۷.

Alvarez, Jose, Nuremberg Revisited: The Tadic Case, European  
Journal of International Law, vol. 7, No. 2, 1996.

Bedjaoui, Mohammed, The New World Order and the Security  
Council: Testing the Legality of its Acts, Dordrecht: Martinus Nijhoff  
Publishers, 1994.

Boed, Roman, The United Nations International Criminal Tribunal for  
Rwanda: Its Establishment, Work and Impact on International  
Criminal Justice, Perspectives, Central European Review of  
International Affairs, vol. 17, winter 2001/2002.

Harmon Snow, Keith, Mass Rape and Genocide in Rwanda 1994,  
April 2004.

Mackenzie, Ruth and Philippe Sands, International courts and  
Tribunals and the Independence of the International Judge, Harvard  
International Law Journal, vol. 44, No. 1, 2003.

**دادگاه کیفری بین المللی رواندا / ۶۵**

Owen, Margaret, Rwanda: War Crime Tribunals Abuse Women Witnesses, Women's International Network News, vol. 28 Issue 4, Autumn 2002.

Snow Harmon, Keith, Mass Rape and Genocide in Rwanda 1994, The Untold Story of How the Western Press both Ignored and Manipulated the Issue of Rape of Women and Girls During the 1994 Cataclysm in Rwanda, and Why, April 2004.

Van Den Herik, Larissa J., The ICTR at Sunset: an Evaluation of the Prosecution's Strategy (1994-2004), International Studies Journal, vol. 2, No. 2, Fall 2005.

**اسناد بین المللی**

Convention on the Privileges and Immunities of the United Nations, New York, 13 February 1946.

Rome Statute of the International Criminal Court, 17 July 1998.

Rules of Procedure and Evidence of Criminal Tribunal for Rwanda, Adopted on 29 June 1995 as amended.

Security Council Provisional Verbatim Record (S/PV. 3217), 25 May 1993.

Security Council Provisional Verbatim Record of 3175<sup>th</sup> Meeting (S/PV. 3175). 22 February 1993.

Security Council Provisional Verbatim Record of 3457<sup>th</sup> Meeting (S/PV. 3453), 8 November 1994.

Security Council Resolution 1315, 14 August 2000.

Security Council Resolution 1503, 28 August 2003.

Security Council Resolution 1534 (2004).

Security Council Resolution 808, 22 February 1993.

Security Council Resolution 827, 25 May 1993.

Security Council Resolution 955 (1994).

Security Council Resolution 977 (1995).

۶۶/ اندیشه های حقوقی، سال سوم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۴

---

Statute of International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia,  
1993.

Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda, 1994.